



<https://jacp.scu.ac.ir/>
ISSN (P): 2538-5755
ISSN (E): 2588-6126
Received: 15 Jun 2023
Accepted: 24 July 2023

Research Article

Doi: 10.22055/jacp.2024.45851.1343

The Relationship between Cohesion, Family and Resilience with Emotional Divorce in Married Women Referred to Counseling Centers in Ahvaz

Shima Salehi^{1*}, Ali Kabomer², Ali Khalafi³, Mohammad Amiri⁴

1. PhD student, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
2. Assistant Professor, Azad University, Shadegan Branch, Shadegan, Iran
3. MA student in Islamic Psychology, Positive Orientation, Payam Noor University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
4. MA student in Family Counseling, University of Hamadan, Hamadan, Iran

Citation: Salehi, S., Kabomer, A., Khalafi, A., & Amiri, M. (2024). The Relationship between Cohesion, Function and Resilience with Emotional Divorce in Married Women to Ahvaz Counseling Centers. *Clinical Psychology Achievements*, 10(2), 18-28.

Abstract

The present study was conducted with the aim of investigating the relationship between family cohesion and functioning and resilience with emotional divorce in married women referring to counseling centers in Ahvaz. The present research is applied in terms of purpose, In terms of the research method, the current research was descriptive of the correlation type. The statistical population of the research consisted of all married women who were referred to Ahvaz counseling centers. The Sampling method was available. Based on the formula of Fidel and Tabachenik (2007), 106 people were selected from the mentioned population, which was increased to 120 people in terms of caution. The research tools included four standard scales of Olson, Portner and Levy (1985), Family Functioning Tavitian et al. (1987), Connor-Davidson's resilience (2003), and Gottman's emotional divorce (1995). Pearson correlation coefficient and regression analysis were used to test the research hypotheses. The Analysis of the results showed that the variables of resilience and family performance are significant predictors of emotional divorce. There is a significant relationship between family cohesion and its components in married women and emotional divorce. There is an inverse and significant relationship between family functioning and emotional divorce, and with increasing the average family function and its components increase, the average emotional divorce of married women decreases. No significant relationship was observed between the components of family communication and family support and encouragement with emotional divorce. There is an inverse and significant relationship between resilience in married women and emotional divorce and as the average resilience increases, the average emotional divorce decreases.

Keywords: cohesion, function, resilience, emotional divorce

* Corresponding Author:

E-mail: shimasalehi.19951374@gmail.com



© 2023 The Author(s). Published by Shahid Chamran University of Ahvaz. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



رابطه انسجام، کارکرد خانواده و تاب‌آوری با طلاق عاطفی در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اهواز

شیمیا صالحی^{۱*}، علی کعب‌عمیر^۲، علی خلفی^۳، محمد امیری^۴

۱. دانشجوی دکتری گروه روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
۲. استادیار دانشگاه آزاد واحد شادگان، شادگان، اهواز، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی، گرایش مثبت نگر دانشگاه پیام نور اهواز، اهواز، ایران
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه همدان، همدان، اهواز، ایران

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه انسجام و کارکرد خانواده و تاب‌آوری با طلاق عاطفی در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اهواز انجام شد. پژوهش حاضر از نظر روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را همه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اهواز تشکیل داد. روش نمونه‌گیری در دسترس بود. از جامعه آماری مذکور بر اساس فرمول فیدل و تاباچنیک (۲۰۰۷) ۱۰۶ نفر انتخاب که به لحاظ احتیاط این تعداد به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. ابزار پژوهش شامل چهار مقیاس استاندارد انسجام خانواده اولسون، پورتنر و لوی، (۱۹۸۵)، کارکرد خانواده تاویتیان و همکاران (۱۹۸۷)، تاب‌آوری کانر – دیویدسون (۲۰۰۳) و طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۵) بود. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. تحلیل نتایج نشان داد متغیر تاب‌آوری و عملکرد خانواده پیش‌بینی کننده معنادار طلاق عاطفی می‌باشد. متغیر انسجام نتوانست پیش‌بینی کننده معنادار طلاق عاطفی باشد. بین انسجام خانواده و مؤلفه‌های آن در زنان متأهل و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد. بین کارکرد خانواده و طلاق عاطفی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و با افزایش میانگین کارکرد خانواده و مؤلفه‌های آن، میانگین طلاق عاطفی زنان متأهل کاهش می‌یابد. بین مؤلفه‌های ارتباطات خانوادگی و حمایت و تشویق خانواده با طلاق عاطفی رابطه معناداری مشاهده نشد. بین تاب‌آوری در زنان متأهل و طلاق عاطفی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و با افزایش میانگین تاب‌آوری، میانگین طلاق عاطفی کاهش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: انسجام، کارکرد، تاب‌آوری، طلاق عاطفی

* نویسنده مسئول: مهدیه قلی‌زاده

رایانامه: gholizadeh.mahdieh2022@gmail.com

مقدمه

خانواده از ارکان عمده و نهادهای اصلی هر جامعه و یکی از طبیعی‌ترین گروه‌هایی است که می‌تواند نیازهای مادی، عاطفی و تکاملی و همچنین نیازهای معنوی انسان‌ها را برطرف نماید این واحد اجتماعی مبدأ بروز عدالت انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی است (Narimani, 2013). خانواده نهادی است که به اعضای خود احساس امنیت و آرامش می‌بخشد. زندگی مشترک مبتنی بر قرارداد بین زن و شوهر برای ارضای نیازهای خود و به تبع آن انجام تمام کارکرد آن شامل روحیه همکاری، تقسیم کار، تربیت و پرورش کودکان و ایجاد مهر و عطف است (Campbell, 2013). یکی از مشکلات تهدیدکننده خانواده‌ها و در ارتباط احتمالی با انسجام و کارکرد خانواده و تاب‌آوری، پدیده طلاق است که امروزه شیوع آن در ایران افزایش نگران‌کننده‌ای داشته است. در بررسی علت طلاق توجه به علل فردی و روان‌شناختی از جمله میل به طلاق، میان تمایل و علاقه‌مندی زوجین به جدا شدن و گسستن روابط زناشویی طی مراحل قانونی است (Nazari et al., 2015). طلاق عاطفی نوع دیگری از طلاق و پدیده بسیار مهمی است که در هیچ کجا به ثبت نمی‌رسد، این نوع طلاق مربوط به خانواده‌هایی است که به دلایلی مانند سنت‌های حاکم بر خانواده یا باورهای نادرست و نگرش‌های منفی جامعه به زنان مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان یا ناتوانی در تأمین نیازهای زندگی تصمیم می‌گیرند که به اجبار با همسرشان زیر یک سقف زندگی کنند (Safaeerad & Varastefar, 2013).

افزایش طلاق عاطفی، به میزان درخور توجه و نگران‌کننده، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی است. امروزه احساس امنیت و آرامش در روابط صمیمانه بین زن و شوهر به سستی گرائیده و خانواده به گونه فزاینده‌ای با نیروهای مخرب مواجه شده است. در حال حاضر، طلاق عاطفی توجه بسیاری از اندیشمندان و کارشناسان مسائل اجتماعی را به خود جلب کرده است. مسلماً هر شرایطی که برای زنان به منزله کنشگران فعال، تأثیرگذار و البته تأثیرپذیر پیش آید، واکنش و پیامدهایی به همراه دارد که عواملی بسترساز این شرایط و پیامد بوده‌اند. زنان با قرار گرفتن در این موقعیت در مقایسه با مردان، با تغییرات و چالش‌های مضاعفی در زندگی روبرو می‌شوند که بدون شک بر خانواده و جامعه نیز آسیب‌های فراوانی وارد می‌کند، روابط فرا زناشویی، افزایش طلاق قانونی، خشونت و خودکشی از معضلات اجتماعی‌ای هستند که ممکن است در نتیجه طلاق عاطفی حاصل شود (Afrasiabi, 2016).

یکی از سازه‌های احتمالی مرتبط با طلاق عاطفی می‌تواند انسجام خانواده باشد، لینگرن (Lingren, 2013) انسجام خانواده را احساس نزدیکی عاطفی با دیگر افراد خانواده تعریف کرده است. طبق دیدگاه او دو کیفیت مربوط به انسجام در خانواده، مشتمل بر تعهد و وقت گذراندن با همدیگر است. منظور از تعهد، میل به صرف وقت و انرژی در فعالیت‌های خانواده و همچنین جلوگیری از تأثیر منفی عواملی چون مسائل شغلی در آن است. بُعد دیگر انسجام، وقت گذاشتن و با هم بودن بین اعضای خانواده است، خانواده‌هایی که در این زمینه قوی هستند به‌طور مرتب برنامه‌ها و زمان‌هایی برای فعالیت‌های گروهی در نظر می‌گیرند. شالوده یک جامعه ایده‌آل از خانواده سالم پی‌ریزی می‌شود، نهاد خانواده سیستم پویا و فعالی است که عناصر موجود در آن روی هم تأثیر متقابل دارند که گاهی این تعادل به هم می‌خورد، این تعادل عاملی مهم در تعارضات و اختلافات خانوادگی و زناشویی خواهد بود (Kalwandi, 2011).

یکی دیگر از سازه‌های احتمالی مرتبط با طلاق عاطفی می‌تواند کارکرد خانواده باشد، کارکرد خانواده به چگونگی روابط اعضای خانواده، تعامل و حفظ روابط و چگونگی تصمیم‌گیری‌ها و حل مسائل اعضای خانواده اطلاق می‌شود (Silburn et al., 2016). کارکرد خانواده تلاش مشترکی برای برقراری و حفظ تعادل در خانواده است و به توانایی در هماهنگی با تغییرات و حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول امن بر این نهاد با هدف محافظت از کل نظام خانواده اشاره دارد (Sanaei, 2011).

بی‌توجهی به کارکردهای خانواده نوعی عدم تعادل ایجاد می‌کند که در پی آن خانواده دچار بحران می‌شود در واقع، ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و دشواری‌های ارتقای سلامت جامعه به نوعی در ارتباط تنگاتنگ با کارکرد و عدم سلامت نهاد خانواده است. تعارض شخصیت افراد، اختلال در رفتارهای فردی و اجتماعی، جرم و بزه، افت تحصیلی، گریز از خانه و مدرسه، خشونت، اعتیادهای سنتی و مدرن، خودکشی و طلاق، فسادهای اخلاقی، رفتارهای ناسالم و جنسی و ...

همگی ریشه در فضای ناسالم و آشفته خانواده دارد (Ahmadi, 2017). تحقیقات بسیاری نشان داده است بیشتر یادگیرندگانی که از نظر تحصیلی موفق هستند از خانواده‌هایی هستند که روابط سالمی بین اعضای خانواده برقرار است. همواره خانواده به عنوان مهم‌ترین سیستم انسانی مورد توجه بوده است. به بیان نظریه‌پردازان سیستم خانواده، خانواده مانند بدن انسان است که هر جزء بر جزء دیگر تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد (Qureshi, 2012).

یکی دیگر از سازه‌های احتمالی همبسته با طلاق عاطفی، تاب‌آوری است، تاب‌آوری به منزله توانایی بازگشت از یک موقعیت ناگوار و سخت به حالت اولیه با قدرت و کاردانی بیشتر است (Walsh, 2016). انسان‌ها، ظرفیت‌های مهمی دارند که شکوفاسازی آن‌ها شرط لازم و اساسی موفقیت و توسعه جوامع امروزی است، اما وجود عوامل خطرآفرین متعدد در این مسیر، همواره آسیب‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت فردی و اجتماعی را در پی داشته است. بسیاری از افراد با موقعیت‌های مشکل‌ساز اجتماعی و آموزشی در کلاس، خانه و اجتماع مواجه می‌شوند که می‌تواند به شکست آن‌ها در مدرسه منجر شود و زندگی آینده آنان را با ضعف و ناتوانی روبرو کند (Foster, 2013).

با وجود این، بسیاری از تحقیقات نشان داده‌اند زوجینی هستند که با وجود قرار گرفتن در موقعیت‌های فشارزا، مشکل‌ساز و تهدیدکننده به موفقیت می‌رسند و سطوح بالای موفقیت را تجربه می‌کنند (Khalaf, 2014 & Hiton, 2013). افراد تاب‌آور، چاره‌ساز و منعطف بوده، می‌توانند به سرعت خود را با شرایط و تغییرات سازگار کرده و پس از برطرف شدن عوامل فشارزا به حالت بهبودی بازگردند. این افراد پس از حوادث استرس‌زا دارای ظرفیت بیشتری برای دستیابی مجدد تعادل فیزیولوژیکی (physiological)، روانی و ارتباطات اجتماعی خود هستند (Watson et al., 2014). بعضی دیدگاه‌ها تاب‌آوری را به عنوان پاسخ به یک واقعه خاص و بعضی دیگر آن را به عنوان یک سبک مقابله‌ای پایدار در نظر می‌گیرند (Lamond et al., 2009). پژوهش‌های متعدد همواره در پی این بوده‌اند که عواملی را کشف کنند که بتوانند در شرایط آسیب‌زا به کمک انسان آمده و مانع آسیب‌دیدگی و اضمحلال وی زیر فشار سنگین مسائل و مشکلات گردند. یکی از مهم‌ترین توانایی انسان که باعث سازگاری مؤثر با عوامل خطر می‌شود، تاب‌آوری است (Amini, 2017).

تاب‌آوری یا توانایی سازگاری مثبت با مصیبت و آسیب، یک موضوع روان‌شناختی است که در ارتباط با پاسخ فرد به سرطان، تنش آسیب‌زا و موقعیت‌های مشکل‌آفرین زندگی بررسی شده است. فردی که دارای تاب‌آوری است، چاره‌ساز و انعطاف‌پذیر بوده، مطابق تغییرات محیطی خود را وفق می‌دهد و بعد از برطرف شدن عوامل فشارزا به سرعت به حالت بهبود باز می‌گردد. فردی که در انتهای سطح پایین تاب‌آوری هستند به مقدار ناچیزی خودش را با موقعیت‌های جدید وفق می‌دهد و به کندی از موقعیت‌های فشارزا به حالت عادی و طبیعی برمی‌گردد (Nasir & Thomas, 2016).

به صورت کلی می‌توان گفت، انسجام و یا همبستگی، کارکرد خانواده و تاب‌آوری زوجین می‌تواند بازدارنده یا تسهیل‌کننده، طلاق عاطفی باشد. بنابراین با عنایت به مطالب فوق و با توجه به این که پژوهشی با این عنوان تاکنون صورت نگرفته لذا پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا انسجام و کارکرد خانواده و تاب‌آوری با طلاق عاطفی در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اهواز رابطه معناداری وجود دارد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر زمان یک پژوهش مقطعی، از لحاظ نوع داده‌ها کمی و از نظر روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را همه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اهواز در سال ۱۴۰۰ تشکیل داد. روش نمونه‌گیری در دسترس بود. از جامعه آماری مذکور ۱۰۶ نفر انتخاب که به لحاظ احتیاط این تعداد به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. ملاک‌های ورود به تحقیق شامل تمایل به همکاری و شرکت در پژوهش، نداشتن مشکل روان‌پزشکی یا پزشکی که مستلزم استفاده دارو در زمان اجرای پژوهش باشد، داشتن حداقل مدرک دیپلم و سواد خواندن و نوشتن. ملاک خروج از تحقیق شامل عدم اجازه همسر برای شرکت در پژوهش، مشکلات خلقی مانند افسردگی مزمن که مانع شرکت فرد در این پژوهش بشود.

ابزار پژوهش

ابزار جمع‌آوری داده‌ها، مقیاس انسجام خانوادگی، مقیاس کارکرد خانواده، مقیاس تاب‌آوری و مقیاس طلاق عاطفی بود. محققان پرسشنامه‌ها را در اختیار زنان متأهل قرار دادند و پس از توضیحات لازم در مجموع از هر مقیاس ۱۲۰ پرسشنامه در یک دوره ۳۰ روزه جمع‌آوری شد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

مقیاس انسجام خانوادگی (The Research Instruments Included Four Standard Scale): مقیاس انسجام خانوادگی توسط اولسون و همکاران (Olson et al., 1985) ساخته شده است که از ۴۰ گویه و ۲ خرده مقیاس انسجام (۲۰ سؤال) و انطباق (۲۰ سؤال) تشکیل شده است که به منظور سنجش انطباق و انسجام خانوادگی بکار می‌رود. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای می‌باشد. مؤلفه‌های این پرسشنامه شامل، خرده مقیاس انسجام و خرده مقیاس انطباق و هر خرده مقیاس شامل ۲۰ سؤال می‌باشد. در پژوهشی که توسط (Mazaheri et al., 2013) انجام شد اعتبار ارزشیابی سازش‌پذیری و پیوستگی خانواده توسط آلفای کرونباخ برای بُعد پیوستگی ۰/۷۴ و برای بُعد انطباق‌پذیری ۰/۷۵ به دست آمده است. مقیاس ارزیابی انطباق و انسجام خانوادگی تنها با یک آلفای کلی ۰/۶۸ برای کل ابزار، ۰/۷۷ برای انسجام و ۰/۶۲ برای انطباق از یک همسانی درونی نسبی برخوردار است. ضریب همبستگی در بازآزمایی برای همبستگی خانواده ۰/۸۳ و برای انطباق‌پذیری خانواده ۰/۸۰ بود که نشان‌دهنده ثبات بسیار خوب است (Jones & Gardner, 2002). میزان همسانی درونی آن از طریق آلفای کرونباخ برای همبستگی (۰/۶۸۹) و برای انطباق‌پذیری (۰/۶۳۶) به دست آمده است (Lotfinia et al., 2009).

مقیاس کارکرد خانواده (Family Cohesion Scale): پرسشنامه عملکرد خانواده توسط تاویتیان و همکاران (Tavitan et al., 1987)، ساخته شده است که از ۴۰ گویه تشکیل شده است که به منظور سنجش عملکرد خانواده بکار می‌رود. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۷ نقطه‌ای می‌باشد. مؤلفه‌های پرسشنامه شامل عواطف مثبت خانوادگی، ارتباطات خانوادگی، تعارضات خانوادگی، نگرانی‌های خانوادگی، حمایت‌ها و تشویق خانوادگی است.

مقیاس تاب‌آوری (Connor-Davidson Resilience Scale): این پرسشنامه شامل ۲۵ سؤال می‌باشد و توسط کانر و دیویدسون (Conner - Davidson, 2003) جهت اندازه‌گیری قدرت مقابله با فشار و تهدید تهیه شده است. برای هر سؤال طیف درجه‌بندی پنج گزینه‌ای «کاملاً نادرست» تا «همیشه درست» در نظر گرفته شده که عدد یک کاملاً نادرست و عدد پنج کاملاً درست نمره‌گذاری می‌شود. در این مقیاس اگر چه ابعاد مختلف تاب‌آوری را می‌سنجد ولی دارای یک نمره کل نیز می‌باشد، برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسش‌نامه، مجموع امتیازات همه سؤال‌ها را با هم جمع کرده، این امتیاز دامنه‌ای از صفر تا صد را خواهد داشت. هر چه این امتیاز بالاتر باشد، بیانگر میزان تاب‌آوری بیشتر فرد پاسخ‌دهنده خواهد بود و برعکس. نقطه برش این پرسشنامه امتیاز ۵۰ می‌باشد. به عبارتی، نمره بالاتر از ۵۰ نشانگر افراد دارای تاب‌آوری بالا خواهد بود و هر چه این امتیاز بالاتر از ۵۰ باشد، به همان میزان شدت تاب‌آوری فرد نیز بالاتر خواهد بود و برعکس. (Asadi et al., 2012) در پژوهش خود ضریب آلفای کرونباخ کل سؤالات ۰/۸۸ به دست آمد. بررسی روایی سازه ۵ عامل را نشان داد با توجه به اعتبار و روایی مناسب پرسشنامه تاب‌آوری کانر - دیویدسون (۲۰۰۳) در دانش‌آموزان ایرانی پژوهشگران می‌توانند از آن استفاده کنند. در پژوهش حق‌رنجبر و همکاران (۱۳۹۰) پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون ضریب آلفای کرونباخ مورد آزمون قرار گرفت که آلفای ۰/۸۴ برای این پرسشنامه به دست آمد. بنابراین این ابزار از پایایی خوبی برخوردار است.

مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (Emotional Divorce Scale): این پرسشنامه توسط گاتمن (Gottman, 1995) در کتاب موفقیت یا شکست ازدواج تحت عنوان تنهایی آورده شده است. گاتمن در توضیح این مقیاس بیان می‌کند که زمانی که زوجها رسماً زن و شوهر هستند ولی آن‌چنان احساس انزوا می‌کنند که تفاوت چندانی میان زن و شوهر بودن آن‌ها و تنها زندگی کردن وجود ندارد، این حالت را تجربه می‌کنند. این پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال به صورت موافقم و مخالفم است. پاسخ‌های بلی نمره ۱ و به پاسخ‌های خیر نمره ۰ تعلق می‌گیرد. بیش از ۷ پاسخ بله به معنای این است که فرد نامزد خوبی برای طلاق عاطفی است. بر اساس پژوهش (Bayat-Mokhtari, 2013)، پس از ترجمه مجدد این مقیاس، از چهار تن متخصصان در این زمینه، نظرخواهی و روایی صوری آن حاصل شده است. آلفای کرونباخ تست برای شوهر ۰/۹۱ و برای

زن هم ۰/۹۱ ارائه شده است (John Gottman, 1995). (Salayani & Asghari Ebrahimabad, 2014). آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۷۴ گزارش کردند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از پرسشنامه از دو روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. به منظور توصیف داده‌ها از جدول توزیع فراوانی، شاخص مرکزی میانگین و شاخص پراکندگی انحراف استاندارد استفاده شد. در بخش آمار استنباطی بعد از اطمینان از رعایت پیش‌فرض‌های آماری از تحلیل رگرسیون چندگانه با روش هم‌زمان و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نرم‌افزار مورد استفاده در این پژوهش نرم‌افزار SPSS-25 بود.

یافته‌ها

نمونه این پژوهش شامل ۱۲۰ نفر از زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اهواز بودند که ۲۰ نفر از ۱۲۰ نفر دارای سن زیر ۳۰ سال، ۵۰ نفر ۱۲۰ بین ۳۰ تا ۴۰ سال سن، ۳۵ نفر از ۱۲۰ نیز بین ۴۰ تا ۵۰ سال سن و ۱۵ نفر از ۱۲۰ بالای ۵۰ سال سن داشتند. ۲۵ درصد شرکت‌کنندگان این پژوهش تحصیلات زیر دیپلم، ۲۳ درصد تحصیلات دیپلم، ۲۲ درصد تحصیلات لیسانس و ۴۰ درصد تحصیلات ارشد داشتند. ۲۹ درصد این شرکت‌کنندگان این پژوهش کمتر از یک سال، ۲۵ درصد بین یک تا ۵ سال، ۲۱ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال و ۲۵ درصد بالای ۱۰ سال از ازدواجشان می‌گذرد.

برای پاسخ‌دهی به سؤال پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه با روش هم‌زمان در نرم‌افزار SPSS استفاده شد. بدین منظور ابتدا پیش‌فرض‌های این روش شامل فاصله‌هایی بودن داده‌ها، مستقل بودن داده‌ها، نرمال بودن توزیع صفات و چند هم خطی بودن مورد بررسی قرار گرفت و بدین منظور از آزمون‌های واتسون، کولموگروف اسمیرنوف و شاخص Tolerance و VIF استفاده شد.

سطح متغیرهای پیش‌بین و ملاک، زمانی که از SPSS برای برآورد پارامترها استفاده می‌شود باید حداقل فاصله‌ای باشد که در این پژوهش از داده‌های فاصله‌ای استفاده شده است. همچنین متغیرهای پیش‌بین از نوع فاصله‌ای است. مستقل بودن داده‌ها، برای آزمون این پیش‌فرض با استفاده از آماره دوربین واتسون اندازه‌گیری می‌شود. اگر آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد، مقدار به دست آمده ۱/۸۵، نشان می‌دهد که این پیش‌فرض رعایت شده است. در این پژوهش آماره دوربین واتسون ۱/۸۵ به دست آمد که نشان می‌دهد، پیش‌فرض نرمال بودن توزیع صفات رعایت شده است. توزیع نمره‌های متغیر وابسته در جامعه برای هر ارزش متغیر مستقل بایستی به صورت نرمال باشد. برای بررسی این مفروضه آماره کولموگروف اسمیرنوف با استفاده از SPSS مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی نرمال بودن متغیرها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف نشان داد متغیر پژوهش دارای توزیع نرمال است. برای آزمون پیش‌فرض عدم وجود چند هم خطی، از شاخص Tolerance و VIF استفاده شد و نتایج نشان داد از آنجایی که در همه متغیرها مقدار Tolerance کمتر از ۰/۱ نبوده و شاخص VIF نیز بیشتر از ۱۰ نبود بنابراین چند هم خطی وجود نداشته و این پیش‌فرض رعایت شده است.

سؤال: آیا طلاق عاطفی بر اساس انسجام، کارکرد و تاب‌آوری خانواده در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اهواز قابل پیش‌بینی است؟

با توجه به برقراری پیش‌فرض‌های فاصله‌هایی بودن داده‌ها، مستقل بودن داده‌ها، توزیع نرمال صفات و عدم وجود چند هم خطی، جهت پاسخ‌دهی به سؤال پژوهش از آزمون رگرسیون چندگانه با روش هم‌زمان استفاده شد. در جدول ۱ خلاصه نتایج مقدار واریانس تبیین شده و معناداری مدل به روش هم‌زمان ارائه می‌گردد.

جدول ۱. جدول همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین و ملاک

شاخص روش	R	R ²	Adjusted R Square	F	DF1	DF2	سطح معناداری
هم‌زمان	۰/۳۴	۰/۱۲	۰/۰۹	۵/۱۸	۲	۱۱۹	۰/۰۰۲

جدول ۱ خلاصه نتایج مقدار واریانس تبیین شده و معناداری مدل را نشان می‌دهد. نسبت F و سطح معناداری آن بیانگر اثر معنادار انسجام، کارکرد و تاب‌آوری در معادله رگرسیون است ($p \leq 0.05$). همان‌طور که مشاهده می‌شود در پیش‌بینی طلاق عاطفی زنان متأهل $R^2=0.12$ است یعنی این متغیرها ۱۲٪ درصد از واریانس متغیر طلاق عاطفی زنان متأهل را تبیین می‌کند.

جدول ۲. رابطه استاندارد و غیراستاندارد متغیرهای پیش‌بین و ملاک

سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد نشده		متغیر
		Beta	SD	
۰/۸۵	۰/۱۸		۳/۱۳	ثابت
۰/۰۳	-۲/۲۰	-۰/۲۶	۰/۰۵	تاب‌آوری
۰/۶۳	۰/۴۸	۰/۰۵	۰/۰۴	انسجام
۰/۰۰۱	-۳/۶۹	-۰/۳۸	۰/۰۳	عملکرد خانواده

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که متغیر تاب‌آوری و عملکرد خانواده پیش‌بینی کننده معنادار طلاق عاطفی می‌باشد. مقدار بتا نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در نمره تاب‌آوری زنان متأهل باعث ۰/۲۶ صدم واحد کاهش انحراف استاندارد در نمرات طلاق عاطفی خواهد بود. مقدار بتا نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در نمره عملکرد خانواده زنان متأهل باعث ۰/۳۸ صدم واحد کاهش انحراف استاندارد در نمرات طلاق عاطفی خواهد بود. متغیر انسجام نتوانست پیش‌بینی کننده معنادار طلاق عاطفی باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

به‌منظور بررسی فرضیه پژوهش با عنوان پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس انسجام، کارکرد و تاب‌آوری خانواده در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اهواز از تحلیل نتایج طبق جدول ۴-۷ استفاده شد که نشان می‌دهد که متغیر تاب‌آوری و عملکرد خانواده پیش‌بینی کننده معنادار طلاق عاطفی می‌باشد. مقدار بتا نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در نمره تاب‌آوری زنان متأهل باعث ۰/۲۶ صدم واحد کاهش انحراف استاندارد در نمرات طلاق عاطفی خواهد بود. مقدار بتا نشان می‌دهد که یک واحد افزایش در نمره عملکرد خانواده زنان متأهل باعث ۰/۳۸ صدم واحد کاهش انحراف استاندارد در نمرات طلاق عاطفی خواهد بود. متغیر انسجام نتوانست پیش‌بینی کننده معنادار طلاق عاطفی باشد.

متغیر تاب‌آوری پیش‌بینی کننده معنادار طلاق عاطفی می‌باشد. نتیجه این یافته با یافته‌های (Firoozbakht & Latifian, 2018)؛ (Kiani & Arefi, 2015) و (Khandandel et al., 2015) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت تاب‌آوری نوعی مصون‌سازی در برابر مشکلات روانی بوده و کارکرد مثبت زندگی را افزایش می‌دهد. تعریف‌های متعددی از تاب‌آوری شده ولی اکثر محققان متفق‌القول‌اند که افراد تاب‌آور در عوامل مشابهی مشترک‌اند. برخی از این عوامل مشترک عبارتند از: هوش بالاتر، تازه‌جویی پایین‌تر، تعلق کمتر به همسالان بزه‌کار و عدم سوء مصرف مواد و بزه‌کاری. محققان ویژگی‌های مشترک دیگری نیز در افراد تاب‌آور بررسی کرده‌اند که عبارتند از: خودمختاری بالاتر، استقلال، همدلی، تعهد به کار، جدیت، مهارت‌های حل مسأله و روابط خوب با همسالان است. با کمی تأمل می‌توان گفت فرد تاب‌آور با این همه پتانسیل درونی و کاربرد آن در زندگی می‌تواند رضایت و به دنبال آن کاهش طلاق عاطفی را تأمین نماید.

افراد تاب‌آور به دلیل بهره‌مندی از خوش‌بینی احساس می‌کنند که قادرند با مشکلات روبرو شوند و به‌طور منطقی و مسأله مدار با مشکلات برخورد کنند. این افراد دیدگاه خوش‌بینانه نسبت به پیامد اعمال دارند و به‌راحتی می‌توانند در برخورد با مسائل خود را کنترل کنند و سازگار شوند. این افراد معتقدند که در هر رویداد آسیب‌زایی، تجاربی نهفته است که آن‌ها در برخورد با این مسائل به آن دست می‌یابند و به اهمیت نقش خود در این رویدادها و تجارب واقف هستند (King, 2010). تاب‌آوری منجر به افزایش احساسات مثبت و افزایش اعتماد به نفس افراد می‌شوند و باعث می‌شود که افراد

بیشتر به خود اعتماد داشته باشند. این افراد دارای مهارت‌های ارتباطی فوق‌العاده‌ای هستند که می‌توانند در شرایط ناگوار به بهترین نحو از آن استفاده کنند و ارتباط سازنده‌ای با دیگران ایجاد کنند (Akbarzadeh, 2015). کاربرد این ویژگی‌ها در زندگی زناشویی، قطعاً مانع سرد شدن روابط خواهد شد.

افرادی که از سطوح تاب‌آوری پایین‌تری برخوردارند در زندگی شخصی خود به دنبال هدف مشخصی نیستند و زندگی برای آن‌ها معنای خاصی ندارد، همچنین انگیزه‌ای برای برخورد با مشکلات زندگی خود ندارند، از انعطاف‌پذیری پایینی برای برخورد با تغییرات زندگی برخوردارند و دائم در حالت شک و تردید قرار دارند و به دلیل داشتن این ویژگی‌ها در برخورد با تهدیدات نمی‌توانند با مشکل به درستی مقابله کنند و فقدان انعطاف در زندگی زناشویی، عدم برخورد درست با مسائل و مشکلات به تدریج سبب خاموش شدن شعله روابط گرم زوجین خواهد شد. افرادی که از سطوح تاب‌آوری پایین‌تری برخوردارند، در مواقع بحرانی دچار استرس می‌شوند و خود را فردی قربانی و ناتوان تصور می‌کنند و قادر نیستند با استفاده از راهکارهای حل مسئله به راه حل منطقی برسند (Ghanbaritalab & Sheikholeslami, 2015). بنابراین افراد با تاب‌آوری پایین در زندگی زناشویی با مشکلاتی مواجه می‌شوند و به دلیل این که قادر نیستند به درستی از پس مسائل خود برآیند، مسلم است که مشکلات موجود در این خانواده، سبب گرایش به خاموشی عاطفی در این خانواده خواهد شد. یکی از عوامل درونی که از سازه‌های روان‌شناسی مثبت نگر به حساب می‌آید، تاب‌آوری روان‌شناختی است که در دهه‌های گذشته نقش آن در رشد و سلامت اثبات شده است (Meerow & Newell, 2019). تاب‌آوری ویژگی است که به افراد کمک می‌کند کمتر تحت تأثیر پیشامدهای ناگوار قرار گیرند و همسرانی که از ویژگی تاب‌آوری برخوردار نیستند توانایی تعدیل شرایط ناگوار و استرس‌های ناشی از مشکلات زناشویی را ندارند که این موجب افزایش تعارضات و نارضایتی و به دنبال آن طلاق می‌شود (Darnhofer et al., 2016). فرد تاب‌آور به‌طور عادی قادر به تفکر خلاقانه و منعطف درباره ابزار هیجان است. یعنی هر وقت که نیاز داشته باشد از افراد دیگر کمک می‌خواهد و از شایستگی حل مشکلات مربوط به خود و دیگران برخوردار است و این مهم زمینه طلاق را کاهش داده زمینه انسجام را افزایش می‌دهد.

متغیر کارکرد خانواده پیش‌بینی کننده معنادار طلاق عاطفی می‌باشد. نتیجه این یافته با یافته‌های (Khan et al., 2018) Mohamammadi (2016)، Parvizi et al., (2014)، Salehi-Amiri et al., (2014)، Al-Krenawi (2010)، Benzies & Mychasiuk (2009) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت کارکرد مثبت خانواده توانایی در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارضات، همبستگی بین اعضاء و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده است، لذا انجام نادرست نقش‌ها و تکالیف زناشویی برای عملکرد خانواده حیاتی است و هرگونه تغییر و یا نابسامانی در روابط زوجها می‌تواند عملکرد کل سیستم خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. در خانواده‌های دارای عملکرد مناسب، حل مسئله به‌طور مناسب اتفاق می‌افتد، نقش‌ها و مسئولیت‌ها روشن، واضح و انعطاف‌پذیر هستند. ارتباطات مستقیم بوده و ارتباطات کلامی با علایم چهره و زبان همخوان است. همراهی عاطفی و نظارت مناسب وجود دارد، تعارضات مطرح، حل و فصل می‌شود (Barker & Chang, 2013) از این رو می‌توان گفت که هر قدر زوجین در هر یک از ابعاد عملکرد خانواده کارآمدتر عمل کنند، رابطه بهتر و منسجم‌تری را تجربه خواهد کرد که این امر خود باعث کاهش تعارضات زناشویی و در نتیجه کاهش طلاق عاطفی می‌شود. کارکرد خانواده یکی از شاخص‌های مهم تضمین‌کننده زندگی و سلامت روانی خانواده و اعضای آن است و رابطه منفی اعضاء به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل ایجادکننده و نگهدارنده اختلالات روحی و هیجانی افراد مطرح می‌شود، تحقیقات نشان دادند که در خانواده‌هایی که ارتباط میان اعضا و تعاملات داخل خانواده بر اساس نزدیکی و صمیمیت و تفاهم بین افراد استوار است همه اعضاء نسبت علیه فشارهای زندگی مقاوم و مصون هستند. خانواده‌هایی که از عملکرد ضعیف برخوردارند باعث گسستگی و جدایی عاطفی اعضای خانواده و فقدان صمیمیت، عدم انطباق‌پذیری خانواده و سطح پایین رضایت و خشنودی خانوادگی می‌شود در نتیجه باعث ناسازگاری و مشکلات روانی در افراد می‌شود، هر گونه نارسایی در عملکرد خانواده تأثیر نامطلوب به جا خواهد گذاشت.

متغیر انسجام نتوانست پیش‌بینی کننده معنادار طلاق عاطفی باشد. نتیجه این یافته با یافته‌های (Salimi et al., 2016) همخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، خانواده‌های با عملکرد متعادل و منسجم به دلیل ایجاد حس

مسئولیت‌پذیری و تعهد عاطفی متقابل میان اعضای خانواده، مشارکت دادن فرزندان در تصمیم‌گیری‌های مهم خانواده، پرورش حس استقلال فردی در فرزندان، وجود قواعد منعطف در خانواده و گشودگی نسبت به تغییرات زندگی، همواره زمینه مساعدی را برای کسب ویژگی‌های مثبتی مثل اعتماد به نفس، جرأت ابراز عقیده، خودکارآمدی، مهارت حل مسأله و مدیریت بحران به وجود می‌آورد، در نتیجه این توانایی‌ها، افراد قادر خواهند بود با تکیه بر این توانایی‌ها و در سایه شبکه حمایتی خانواده، بدون نگرانی و تشویش خاطر مقاومت خود را در مقابل اثرات منفی فشارهای روانی افزایش داده و به این ترتیب از وقوع طلاق جلوگیری نمایند. انسجام و پیوند عاطفی در اصل به تعادل اعضای خانواده منجر می‌شود و مانعی می‌شود برای طلاق عاطفی. علت اینکه این متغیر نتوانسته پیش‌بینی کننده معنادار طلاق عاطفی باشد، به این دلیل است که انسجام خانواده بنا به دلایل مثل گذشت زمان، وجود فرزند ناخلف، فوت یکی از اعضا، بیماری یکی از اعضا و یا سایر عوامل مثل اوضاع اقتصادی، تغییر شغل، وابستگی یکی از همسران به مواد مخدر، تحت تأثیر قرار گرفته و طلاق عاطفی نمایان شود.

نتیجه اصلی از این پژوهش می‌تواند در وهله اول مورد استفاده خانواده‌ها، روان‌شناسان، مشاوران و درمانگران قرار گیرد و در وهله دوم سیاست‌گذاران امر خانواده و ازدواج می‌توانند از نتیجه پژوهش حاضر بهره‌مند شوند. در این پژوهش جمع‌آوری نمونه آزمودنی‌ها به‌منظور انجام پژوهش با محدودیت‌هایی روبرو بود از جمله حساسیت خانم‌ها نسبت به پرسش‌های مرتبط به مسائل خانوادگی‌ها و همچنین کم بودن نمونه پژوهش به عنوان محدودیت‌های این تحقیق بشمار می‌رود. برای کاهش طلاق عاطفی به نقش خانواده و تأثیرگذاری آن و همچنین افزایش تاب‌آوری به عنوان یکی از عوامل مؤثر در بهداشت روانی افراد توجه شود. آموزش مهارت تاب‌آوری در زندگی زناشویی در جمله مهم مسائل زندگی قبل، حین و بعد از ازدواج مورد توجه قرار گیرد. اتخاذ سیاست‌های واقع‌گرایانه و بهینه در شرایط مطلوب بحرانی خانواده در دنیای امروز و طراحی برنامه‌های مناسب جهت اجرای سیاست‌های مصوب، یک نیاز اساسی و ضروری است که مسئولین مرتبط با خانواده و خود خانواده‌ها می‌توانند با برنامه‌ریزی مبتنی بر شناخت و آگاهی، راهکارهای منطقی و سازنده در جهت تقویت انسجام و همبستگی خانواده‌ها ارائه دهند و در کاهش آسیب‌های که خانواده را تهدید می‌کند، تلاش مؤثر داشته باشند. مداخلاتی انجام گیرد تا عواملی که منجر به کاهش انسجام خانوادگی می‌شود، تقویت گردد. با توجه به انسجام خانواده و تاب‌آوری، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های مرتبط با خانواده، آموزش‌های مرتبط با تاب‌آوری را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند. همچنین رسانه‌های گروهی با برگزاری کارگاه‌های آموزشی و کرسی‌های بحث و مناظره بین خانواده‌ها و با استفاده از مدرسان با تجربه و متعهد، انسجام و پیوستگی همسران در برقراری معاشرت نیکو و روابط زناشویی مبتنی بر عشق و ابراز علاقه به همسر و خانواده از سوی دیگر، سطح آگاهی و شناخت خانواده‌ها را ارتقاء بخشند.

منابع

- Ahmadi, A. A. (2017). *Psychology of family relationships*. 4th Edition, Tehran: Mehdi Rezaei Publications. (Persian)
- Asadi, S. & Jafari Roshan, M. (2014). *Validity and reliability of the david connor-seven scale in iranian students*. International Conference on Behavioral Sciences and Social Studies. (Persian)
- Afrasiabi, H., & Dehghani Daramroud, R. (2016). Contexts and encountering with emotional separation among women in City of Yazd. *Woman in Development & Politics*, 14(2), 255-271. (Persian)
- Akbarzadeh, D., Akbarzadeh, H., & Javanmard, G. H. (2015). On the comparison of psychological capital and metacognitive beliefs between drug-dependent students and normal students. *Etiadpajohi*, 8(31), 9-24. (Persian)
- Amini, S., & Khoshouei, M. S. (2017). Relationship between Resilience and Happiness in Parents with Behavioral Problems in Elementary School Students. *Psychology of Exceptional Individuals*, 7(26), 159-176. (Persian)
- Khan Mohammadi, Z., Bazzazian, S., Amiri Majd, M., & Ghamari, M. (2018). Predicting emotional divorce based on psychological basic needs, marital expectations and family function. *Iranian Journal of Family Psychology*, 5(1), 17-30. (Persian)

- Khandandel, S., & Kavianfar, H. (2015). Role of trust in interpersonal relationships and family hardiness in marital satisfaction in working couples. *Family Pathology, Counseling and Enrichment Journal*, 1(1), 14-31. (Persian)
- Salimi, H., Mohsenzadeh, F., & Nazari, A. M. (2016). Prediction of marital adjustment based on family solidarity, time for togetherness and financial sources in female teachers. *Sociology Of Women (Journal Of Woman And Society)*, 7(3), 175-191. (Persian)
- Salehi-Amiri, S. R., Hekmatpour, M., & Fadaei, M. (2014). *Studying the effect of emotional divorce on family functioning*. International Conference on Behavioral Sciences and Social Studies, Tehran. (Persian)
- Safaerad, S., & Varastefar, A. (2013). A survey on the relation ship of marital conflicts with emotional divorce of referring women to the court of eastern Tehran. *Social Research*, 6(20), 85-106. (Persian)
- Salayani, F., & Asghari Ebrahimabad, M. J. (2014). *Comparing emotional divorce in introverted and extroverted individuals*. Third Iranian Social Work Conference. Gonabad, Islamic Azad University, Gonabad Branch. (Persian)
- Firoozbakht, S., & Latifian, M. (2018). The study of mediating role of resilience on the relationship between family communication patterns and motivational regulation. *Journal of Psychology*, 85(1), 101-117. (Persian)
- Qureshi, M. (2012). *Comparing self-regulated learning strategies and motivational beliefs of children in different types of families based on the family process and content model*. Master's thesis, Islamic Azad University, Marvdasht Branch. (Persian)
- Ghanbaritalab, M., & Sheikholeslami, R. (2015). The relationship between emotional intelligence and mental vitality with self-efficacy . *Rooyesh*. 4(3), 75-86. (Persian)
- Kalwandi, F. (2011). *Investigating the relationship between the health of the family of origin and the level of cohesion and flexibility of the children's family from their perspective*. Master's thesis in Counseling, Shahid Beheshti University. (Persian)
- Kiani, N., & Arefi, M. (2015). The path analysis model of relations between family cohesion and flexibility, resilience, and mental health of university students. *Family Counseling and Psychotherapy*, 5(3), 22-49. (Persian)
- Lotfinia, H., Mohib, N., & Pishrokalankesh, T. (2009). Studying the pattern of drug use and its relationship with family functioning among clients of addiction treatment centers in Tabriz. *Women and Family Studies*, 2(6), 107-120. (Persian)
- Mazaheri, Mohammad Ali; Hosseini, Mojtaba and Ashouri, Ahmad. (2013). Psychometric properties of the persian version of the family cohesion and flexibility scale. *Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 19(4), 314-325. (Persian)
- Narimani, M., Khoshnoodnia Chomachaei, B., Zahed, A., & Abolghasemi, A.. (2013). The role of perceived teacher support in predicting academic self-efficacy in students with learning disabilities. *Journal Of Learning Disabilities*, 3(1), 110-128. (Persian)
- Nazari, A. M., Rasouli, M., Davarniya, R., Hosseini, A., & Babaei Gharmkhani, M. (2015). Effectiveness of solution-focused brief therapy (SFBT) on couple burnout and divorce tendency in married women. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 3(3), 41-52. (Persian)
- Al-Krenawi, A. (2010). A study of psychological symptoms, family function, marital and life satisfactions of polygamous and monogamous omen: The lestinian case international. *Journal of Social Psychiatry*, 58, 79-8
- Barker, P. h., & Chang, J. (2013). Basic family therapy. Sixth Edition. John Wiley & Sons, Ltd.
- Benzies, K., & Mychasiuk, R. (2009). Fostering family resiliency: a review of the key protective factors. *Child and Family Social Work*, 14(1), 103-114.
- Campbell, T.L. (2013). The Effectiveness of Family Interventions for Physical Disorders. *Journal of Marital and Family*. 29 (2): 263-281.
- Catalino, L. I., & Fredrickson, B. L. (2011). A Tuesday in the life of a flourisher: The role of positive emotional reactivity in optimal mental health. *Emotion*, 11(4), 938-950.
- Connor KM, Davidson JR. (2003). Development of a new resilience scale: the Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depress Anxiety*; 18 (2): 76-82.

- Darnhofer, I., Lamine, C., Strauss, A., & Navarrete, M. (2016). The resilience of family farms: Towards a relational approach. *Journal of Rural Studies*, 44 (1), 111-122.
- Foster, T. A. (2013). An exploration of academic resilience among rural students living in poverty, unpublished doctoral dissertation, School of Education, Piedmont College.
- Gottman, J. M. (1995). *The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy*. WW Norton & Company.
- Heaton, D. (2013). Resilience and resistance in academically successful Latin students. Phd thesis, Utah State University <http://digitalcommons.usu.edu/etd/1490/>.
- Jones, S. R., & Gardner, S. P. (2002). Variables related to attitude toward domestic violence and use of reasoning, verbal aggression, and violent conflict tactics in high school students. *Journal of Family and Consumer Sciences Education*, 32-47.
- Keng, S. L., Smoski, M. J., & Robins, C. J. (2011). Effects of mindfulness on psychological health: A review of empirical studies. *Clinical Psychology Review*, 31(6), 1041-1056.
- Khalaf, M. A. (2014). Validity and reliability of the academic resilience scale in Egyptian context. *US-China Education Review*, 4 (3), 202-210.
- King, Z (2010). Career self- management: its nature, causes and consequences. *Journal of vocational behavior*, 65, 112-133.
- Lamond, A.L., Depp, C.A., Allison, M., Langer, R. J., Reichstadt, J., Moore, D.J., Goldshan, Sh., Ganiats, T.G. J., & Jeste, D.V. (2009). Measurement and predictors of resilience among community-dwelling older women. *Journal of Psychiatric Research*, 43, 148- 154.
- Lingren, M. G. (2013). Creating sustainable families [On-Line]. Available : [http : www. ianr. UN. Edu/pubs/family/g 1269. Htm](http://www.ianr.unl.edu/pubs/family/g1269.htm).
- Luthans, F., (2008). *Psychological Capital: investment and developing Positive Organizational Behavior*, California: Positive Organizational Behavior. SAGE Publications. 9-24.
- Meerow, S., & Newell, J. P. (2019). Urban resilience for whom, what, when, where, and why?. *Urban Geography*, 40(3), 309-329.
- Mirnic, Z., Vargha, A., Tóth, M., & Bagdy, E. (2011). Cross-cultural applicability of FACES IV. *Journal of Family Psychotherapy*, 21(1), 17-33.
- Olson, D.H., Portner, J., Lavee, Y. (1985). FACES III. Unpublished manuscript, Family Social Science. University of Minnesota.
- Sharma M, Joshi HL. (2019). Role of Family Environment and Parenting Style in Adjustment among Male Adolescents. *Int J Curr Res AcaReo*. 3(1):252-263.
- Silburn, S., Zubrick, S.R., De Maio, J.A., Shepherd, C., Griffin, J.A., & Mitrou, F.G.,... & Pearson, G. (2016). The Western Australian Aboriginal Child Health Survey: Strengthening the capacity of aboriginal children, families and communities. Perth: Curtin University of Technology and Telethon Institute for Child Health Research.
- Tavitian, M. L., Lubiner, J. L., Green, L., Grebstein, L. C., and Velicer, W. F. (1987). Dimensions of family functioning. *Journal of Social Behavior and Personality*, 2, 191-204.
- Taylor LK, Merrilees CE, Goetze-Morey MC, Shirlow P, Cummings EM. (2014). Trajectories of Adolescent Aggression and Family Cohesion: The Potential to Perpetuate or Ameliorate Political Conflict. *J Clin Child Adolesc Psychol*; 13: 1-15.
- Thomas P, Nasir L. (2016). What can health and wellbeing boards do for us? *London J Prim Care (Abingdon)*; 5(2):55. PMID: 25949688.
- Walsh F. (2016). *Strengthening family resilience*. 3rd Edition. New York and London: Guilford Press. 23-6.
- Watson CC, Rich BA, Sanchez L, O'Brien K, Alvord MK. (2014). Preliminary study of resilience based group therapy for improving the functioning of anxious children. *J Child Youth Care Forum*; 43(3):269-86.